

ارتش و اسلامگرایان ترکیه: دو نیروی اجتماعی در یک نظام

دکتر سید اسدالله اطهری

محقق ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و

مطالعات استراتژیک خاورمیانه

موقعیت برتر نیروی نظامی ترکیه را نشان می‌دهد، هنوز ارتش ترکیه خود را ورای محدودیتها، نقدها و انتقادهای عمومی می‌داند که در مورد تمامی بخش‌های جامعه جاری است و در واقع جایگاهی برتر از دولت محصول جامعه مدنی را برای خود قایل است.

مداخله نظامی به عنوان یک اصل

کودتاها و مداخله‌های ارتش در ترکیه در زمان معاصر به سال ۱۹۶۰ باز می‌گردد، زمانی که ارتش، حکومت «عدنان مندرس» نخست‌وزیر وقت از حزب دموکرات را سرنگون ساخت. در سال ۱۹۷۱ ژنرالها با صدور بیانیه تهدیدآمیزی دولت را مجبور به استعفا کردند و نخست‌وزیری را که مورد تأییدشان بود بر سر کار آوردند. در سال ۱۹۸۰ ژنرالها مجدداً تانکها را روانه خیابانها ساخته و با دستگیری سیاستمداران حکومت نظامی اعلام کردند. شرایط هر کدام از این مداخلات تفاوت آشکاری با یکدیگر داشت، احساس ارتش مبنی بر این که دولت از مسیر اصلی‌اش منحرف شده است موجب مداخله ۱۹۶۰ شد. این مسئله از یک جاه‌طلبی فردی نشأت می‌گرفت.

دولتمردان ترکیه می‌گویند که گذار کشورشان به سمت یک نظام دموکراسی در سال ۱۹۴۶ آغاز شد، در حالی که پس از گذشت نیم‌قرن هنوز این کشور از استانداردهای پذیرفته شده برای یک دولت دموکراتیک مدرن فاصله قابل توجهی دارد. محدودیت آزادی بیان، نقض حقوق بشر و چهار مورد مداخله نظامیان از سال ۱۹۶۰ به این سوء‌آسیب‌پذیر بودن نظام سیاسی را نشان می‌دهد. به علاوه نگاهی به ۴۰ سال گذشته مشخص می‌سازد که راه حل نهایی در صحنه سیاسی ترکیه مراجعه به صندوقهای رأی نبوده بلکه مسایل، در نهایت با دخالت نیروهای نظامی حل می‌شود. حوادث گذشته تأیید کننده این مسئله است که برای مقامات جواتر ارتش، سکولاریسم از دموکراسی ارزش بیشتری دارد، همچنین این حوادث

در عوض بهانه برای دخالت های ارتش در سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ قویاً برناتوانی سیاستمداران در کنترل خشونت احزاب چپ و راست که کشور را تحت پوشش خود قرار داده بود، تکیه داشت.

ظهور حزب رفاه و نگرانی لائیک ها

در ابتدای سال ۱۹۹۷ ارتش مجدداً وارد عمل شده در ماه فوریه ژنرالها یک مبارزه حساس شده و دقیق را برای بی ثبات ساختن حکومت ائتلافی احزاب «رفاه» و «راه راست» در دوره نخست وزیری «اربکان» به راه انداختند. اربکان یک سیاستمدار میانه رو و رهبر حزب «نجات اسلامی» در دهه ۱۹۷۰ بود. پس از مداخله نظامیان در سال ۱۹۸۰ او تا سال ۱۹۸۷ از فعالیت سیاسی محروم شد. تا این که در این سال به عنوان رهبر حزب رفاه در انتخابات شرکت کرد. گرچه حزب رفاه از جناح های مختلفی تشکیل شده است، اما احتمالاً بیشتر به عنوان حزبی که ارزش های اسلام را مدنظر دارد تا یک حزب اسلامی صرف، توصیف می شود.

اهداف اعلام شده این حزب عبارت

بودند از: «به دست آوردن عدالت اجتماعی و یک نظام اقتصادی عادلانه و ترویج ارزش های اسلامی از طریق آموزش و تبلیغات در ترکیه»

با این حال منتقدین از آغاز معتقد بودند که این حزب یک برنامه کاری مخفی دارد، یعنی خواستار تبدیل ترکیه به حکومتی است که توسط شریعت (قانون اسلام) اداره شود و آنها احتمال می دادند که این برنامه توسط حزب در آینده پیاده خواهد شد هر چند در آن زمان هم متهم به اجرای آن بود. ارتش علیه حزب رفاه در سال ۱۹۹۷ وارد عمل شد.

کسب حدود ۷ درصد آرا در انتخابات، عمومی سال ۱۹۸۷ (به همراه سایر احزاب) و حدود ۱۶ درصد در سال ۱۹۹۱، روند رو به پیشرفت حزب را نشان داد. حزب رفاه تا سال ۱۹۹۷ آنچنان سازمان یافت که آرای شهرداریها را از آن خود کرد و با در دست گرفتن شهرداریهای شهرهای بزرگ به ویژه در استانبول و آنکارا تشکیلات مالی «سکولارها» را به لرزه درآورد. با برگزاری انتخابات عمومی در سال ۱۹۹۵ حزب رفاه حدود ۲۲ درصد آرا را به خود اختصاص داد

که بیشتر از آرای احزاب دیگر بود. تلاش‌های بی‌وقفه برای کنار زدن حزب رفاه از قدرت منجر به تشکیل یک حکومت ائتلافی شد که احزاب راست‌گرای امام‌میهن و راه راست را در کنار همدیگر قرار می‌داد. در ژوئن ۱۹۹۶ پس از فروپاشی این حکومت چاره‌ای جز دعوت از اربکان برای تشکیل حکومت وجود نداشت و او این کار را از طریق ائتلاف با حزب راه راست انجام داد. این نخستین بار بود که یک حزب عم‌گرای اسلامی در حکومت حضور می‌یافت، در عین حال اولین بار بود که چنین حزبی شریک اصلی حکومت شد و پس نخست وزیری را به دست آورد.

در حالی که ترک‌ها و دولتهای خارجی، مطمئن بودند که اربکان قصد آسیب رساندن به روابط موجود و مبارزه‌ای تهدیدکننده برای برهم زدن موافقت‌نامه‌های این کشور با اسرائیل را ندارد، شش ماه دوره نخست وزیری اربکان رهیافت جدیدی را در سیاست خارجی نشان داد که عموماً متوجه تحکیم روابط با بلوک اسلامی بود.

وی دیدارهایی از کشورهای مسلمان مثل ایران، اندونزی، پاکستان، بنگلادش،

مالزی، مصر، لیبی و نیجریه به عمل آورد و عهده‌دار تلاشی برای تأسیس یک بلوک اقتصادی از دولت‌های اسلامی شد. روابط با ایران و سوریه به وضوح اهمیت بیشتری یافت و اربکان موافقت ترکیه را برای خرید نفت خام به ارزش میلیارد‌ها دلار از ایران جلب کرد. دولت‌های اروپایی نیز هرچند بانی روابط تجاری با ایران بودند و ابتکار عمل ترکیه می‌توانست قدم‌هایی معقول در جهت عادی‌سازی روابط مغشوش با یک همسایه مهم تلقی شود، اما با وجود اصول‌گرایی قابل توجه در ترکیه، دولتهای اروپایی منتقدین را ترغیب به متهم کردن اربکان در تلاش جهت تبدیل ترکیه به کشوری مشابه ایران می‌کردند. دیگر این که با عقد قرارداد گاز طبیعی با ایران، اربکان برخلاف خواسته‌های آشکار ایالات متحده عمل کرد. این در حالی بود که کنگره آمریکا درست مدتی بعد قانونی وضع کرد که تمامی کشورها و کمپانی‌های خارجی را از همکاری با ایران باز می‌داشت.

در داخل ترکیه اربکان با انجام اقداماتی نظیر اجازه دادن به دیوانسالاران برای پوشیدن مقنعه در محل کار و تطبیق

ساعات کاری بامقتضیات ماه رمضان به ترویج ارزش‌های اسلامی کمک کرد. در واقع محیط اقتصادی و اجتماعی پذیرای دو پیام حزب رفاه یعنی «عدالت اجتماعی» و «نظام اقتصادی عادلانه» بوده است. از زمان ورود مجدد اسلام به عرصه سیاست در عرصه سیاست در دهه ۱۹۴۰ فضا برای عرضه دیدگاه‌های اسلامی به تدریج گسترش یافت تا جایی که در دهه ۱۹۹۰ ترکیه صاحب رسانه‌ها، سیستم آموزشی، بانک‌ها و یک حزب سیاسی اسلامی نوپا شد. این دیدگاه اسلامی مبتنی بر طریقت بر برادری و درویش مسلکی، بنیادهای مذهبی و روابط دینی که ریشه در گذشته امپراطوری عثمانی داشت استوار می‌باشد. هر چند قضایای خاص باعث برانگیختن خشم ژنرال‌ها در سال ۱۹۹۷ شد، اما به نظر می‌رسد عامل هشداردهنده اصلی، روند رو به رشد ارزش‌های اسلامی و ایجاد یک محیط اسلامی بود. در واقع رفاه تنها نقطه اوج سیاسی یک حرکت اجتماعی تشکل یافته بود که بسیاری از سازمان‌ها و شخصیت‌های مسلمان را دربر می‌گرفت. توضیح این که چرا حزب رفاه با وجود احزاب راست و چپ، آن همه رأی را تصاحب کرد،

بستگی به فهم علت ترویج شدید دیدگاه‌های مذهبی در دهه ۱۹۸۰ دارد که این حزب را به سمت حکومت سوق داد.

شکوفایی جریان اسلام‌گرا در ترکیه

میان تقویت احساسات اسلامی و تحولات اقتصادی و فرهنگی در ترکیه به وضوح رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. به عبارتی تغییر اقتصادی ناشی خط‌مشی اتخاذ شده توسط نخست‌وزیر تورگوت اوزال پس از انتخابات در سال ۱۹۹۳ اثرات چشمگیری بر تحولات فرهنگی باقی گذارد. زیرا مدل قدیمی و دولت محوری توسعه اقتصادی کنار گذاشته شد و مقررات زدایی، خصوصی‌سازی و شناورسازی «لیر» ترکیه و تمامی مشخصات دیگر سازمان‌دهی مجدد الهام‌گرفته از صندوق بین‌المللی پول روی کار آمد.

نتیجه کار این که از یک سو پیشرفت زیربنایی رشد اقتصادی، قابل توجه بود، اما از سوی دیگر استانداردهای واقعی زندگی مردم ترکیه سقوط کرد و شکاف بین ثروتمندان و فقرا عمیق‌تر شد. تورم به میزان بی‌سابقه‌ای رسید که به طور ثابت حول و

حوش ۱۰۰ درصد قبل دور می زد. پول در ارتباطات، بزرگراه ها و پروژه سیستم آبیاری آناتولی بزرگ در جنوب شرق ریخته شد اما قوانین اجتماعی، آن طور که در اروپا شناخته شده اند همچنان محدود ماند، به خاطر ناتوانی در اجرای یک برنامه مطمئن تر برای پیشرفت اجتماعی، احزاب سکولار راست و چپ افراطی طی سالهای دهه ۱۹۹۰ رأی دهندگان خسود را از دست دادند.

حوزه فرهنگی

اگر بازسازی اقتصاد ترکیه در امتداد خطوط جهانی نتایج اجتماعی عمده ای در برداشت، اثرات فرهنگی جهانی شدن ناراحت کننده تر بود. هجوم ارزشهای خارجی از طریق رسانه ها باعث ناراحتی بسیاری از ترک ها از جمله آنهایی شد که به حزب رفاه رأی دادند. این ارزش ها از طریق ایستگاه های تلویزیونی خصوصی که برنامه هایش را از آمریکا و سراسر اروپا به وسیله تلویزیون کابلی پخش می کرد، مجلات مبتدل حاوی مقالات جنجال برانگیز تبلیغات برای طیف فزاینده ای که کالاهای

مصرفی خارجی به ویژه با هدف جلب جوانان و حاوی و معیارهای مد پوشاک و خوراک، انتقال داده شده همه اینها برای تغییر وضعیتی بود که تنها ۱۰ سال قبل کاملاً طبیعی به نظر می رسید. تا دهه ۱۹۸۰ فقدان فرصت رشد در استان های شرقی اثرات مخرب کشمکش جاری بین ارتش و حزب کارگران کردستان ترکیه (P.K.K) در جنوب شرقی، میلیونها انسان را به سمت آنکارا، استانبول و ازمیر کشاند. در حالی که ارزشهای اجتماعی آنها با توجه به سابقه قومی عمدتاً کرد، و با جمعیت ساکن در غرب ترکیه تفاوت چشمگیری داشت. اهمیت این جا به جایی مردم به سختی قابل چشم پوشی است. جمعیت استانبول از چیزی حدود ۵ میلیون در سال ۱۹۸۸ به حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون در سال ۱۹۹۷ رسید. میلیونها نفر که به سمت غرب سرازیر شدند، فرهنگ شهر کوچک یا دهکده های آناتولی یعنی فرهنگی محافظه کار و مذهبی را با خود آوردند. زندگی در محله های کثیف و خیابان های پر جمعیت در اطراف همه شهرهای بزرگ شکل گرفت و این شهرها سریعاً به مراکزی برای جنبش های حامی از

آلترناتیو آن دسته از خط‌مشی‌های سیاسی تبدیل شدند که نیازهایشان را تا حدود زیادی نادیده می‌گرفت. در دهه ۱۹۷۰ آنها به جنبش‌ها و احزاب چپ‌گرا و در دهه ۱۹۸۰ به رفاه‌پیوستند.

کشمکش سطحی بر سر اصول‌گرایی بر کشمکش غیر اساسی و در عین حال پیچیده‌ترین مجریان سیاسی قدیم و جدید به سختی سرپوش می‌گذاشت، مجریان قدیمی - که سردمداران سکولار (ملی) نامیده می‌شدند، درگیر مبارزه‌ای بی‌پایان و سخت شدند اما سرانجام راه را بر مجریان جدید بستند. این سردمداران شامل ارتش، جریان اصلی احزاب سیاسی راست و چپ افراطی و روزنامه‌های منعکس‌کننده دیدگاه‌هایشان، دیوانسالاران قدیمی، قضات، تحصیل‌کرده‌ها و رؤسای دانشگاه‌ها کارخانه‌داران و تجار ترک می‌شوند. مجریان جدید شامل سردمداران مسلمان و حزب رفاه

می‌شد به طوری که می‌توان بسیاری از آنان را فن‌سالاران متجدد مسلمان دانست. آنها حزب سیاسی، رسانه‌ها و روشنفکران مخصوص به خود داشتند همان طوری که دارای سازمان تجاری پویای مختص به خود

بودند که از همکاری تجار و کارخانه‌داران مستقل معروف به «بیرهای آناتولی» تشکیل می‌شد.

در حالی که خطر مواجهه با اصول‌گرایی برای جمهوری سکولار نقطه‌نمایان تعارض بین گروه‌ها بود در پشت پرده شعاردادن‌ها، تلاش مجریان قدیمی برای استیلا بر حکومت و جامعه ترکیه مشهود بود. در بین سردمداران قدیمی کسی با نام دفاع از دموکراسی به دفاع از حزب رفاه برخاست تا این که مبارزه بر علیه حزب به جایی رسید که نه تنها آن را از حکومت کنار گذاشتند بلکه از تمامی صحنه‌های سیاسی نیز بیرون راندند. نگرانی ابراز شده از طرف سایر احزاب سیاسی در آن مرحله تا حدود زیادی به دلیل منافع شخصی بود. آنها از مبارزه علیه رفاه سود می‌بردند، اما احساس می‌کردند که در این مسئله زیاده روی شده است.

کالبد شکافی یک کودتا

حرکت «نهایی» ژنرال‌ها علیه حزب رفاه در ابتدای سال ۱۹۹۷ با طراحی دقیق یک مبارزه نظامی صورت گرفت. در ۲۸ فوریه

در نشست شورای امنیت ملی (یک شورای مشترک از اعضای غیرنظامی و نظامی) بیانیه‌ای صادر شد که از نخست وزیر اربکان می‌خواست تا قدم‌هایی برای حفظ اصالت مبانی سکولار حکومت بردارد، از جمله قوانین آموزشی را طوری تغییر دهد که فشار لازم برای تعطیل کردن مدارس مذهبی امام خطیب (پیش نماز و واعظ) را ایجاد کند، در ماه‌های بعد چون اربکان واکنش لازم را نشان نداد ارتش فشار لازم را وارد ساخت و با تشکیل ستادی فعالیت‌های اصول‌گرایان را تحت نظر قرار داد. بر این اساس همچنین تحصیل کرده‌ها و ژورنالیست‌ها برای توجیه خطرات وارده از طرف اصول‌گرایی و تروریسم پ. ک. ک. فراخوانده شدند. ستاد مشترک ارتش در توجیهاتش بیان داشت که: «دادن آزادی عمل به حرکت‌های افراط‌گرایانه اسلامی و قانون‌گریزان پ. ک. ک. در ورطه دموکراسی به مثابه خودکشی دولت است. دموکراسی نمی‌تواند چنین معنایی داشته باشد.»

ایجاد ارتباط بین اصول‌گرایان و تروریسم برای به راه انداختن جنگ تبلیغاتی توسط ژنرال‌ها مسئله‌ای اساسی بود.

سطحی نگرترین افراد نیز می‌دانستند تا زمانی که هزاران غیرنظامی در کشمکش بین ارتش و p.k.k کشته می‌شوند کسی در خیابان‌ها به خاطر اصول‌گرایی حزب رفاه نمی‌میرد، مع الوصف این نکته روشن بود که با تکیه بر وضعیت مقدسی که ارتش در جامعه ترکیه دارد، هیچ مخالف عمومی جدی با تکنیک‌ها یا فرضیات ارتش از طرف سردمداران سکولار که ظاهراً پذیرای جریان پیشرونده دموکراتیک در ترکیه بودند وجود نخواهد داشت. به طوری که برای پوشش رسانه‌ای، رئیس بخش عملیات ستاد مشترک به نشریه اخبار روز ترکیه اظهار داشت که «فشار سرمنشأ غرور برای اصول‌گرایی بود و ما با ارزیابی به این کار پرداختیم.»

همان طوری که رویارویی بین حکومت و ارتش ادامه می‌یافت، ارتش در برابر اربکان روابط ترکیه با اسراییل را تحکیم کرد. نیروهای هوایی و دریایی دو کشور در سال ۱۹۹۶ توافق نامه‌هایی امضاء کردند که به هوایم‌های اسراییلی اجازه می‌داد تا مانورهایی بر فراز خاک ترکیه انجام دهند و دانشجویان افسری و افسران دو کشور در

برنامه‌های آموزشی متقابل در دانشکده‌های افسری شرکت کنند. همچنین این قراردادها نشان دهند. آغاز یک دوره از همکاری نزدیک در زمینه توسعه و همکاری‌های تسلیحاتی بود. همچنین در آن سال رییس جمهوری ترکیه سلیمان دمیرل به عنوان اولین رییس دولت ترکیه، از اسرائیل دیدار رسمی به عمل آورد. در سال ۱۹۹۷ «دیوید لوی» وزیر خارجه اسرائیل از آنکارا دیدن کرد و متقابلاً دیدارهایی توسط نمایندگان نظامی و غیرنظامی ترکیه از اسرائیل به عمل آمد. رییس ستاد مشترک ژنرال مکی کارادایی و معاونش (ژنرال چوبک بیریک چهره شناس در مبارزه ارتش علیه رفاه) و وزیر دفاع، تومان تایان به طور جداگانه از اسرائیل دیدن کردند؛ تاتوان رزمی جنگنده‌های (F4) و تانک‌های (M60-5) ترکیه را با همکاری اسرائیل بالاببرند. در مورد تولید مشترک موشک‌های هوا به زمین که ترکیه برای هواپیماهای F4 خود نیاز داشت و خرید تسلیحات سبک، سیستم‌های نجات هوایی به وسیله هلیکوپتر، هواپیماهای جاسوسی و وسایل هوایی بدون سرنشین توسط ترکیه به

بحث و تبادل نظر پردازند. همچنین در ابتدای سال ۱۹۹۸ مانورهای دریایی با شرکت کشورهای اسرائیل، ترکیه و ایالات متحده آمریکا در شرق دریای مدیترانه انجام شد. مقامات نظامی اسرائیل و ترکیه معتقد بودند که همکاری نزدیک نظامی و امنیتی بین این دو علیه هیچ طرف سوم نبوده است. اما شکی نیست که هدف آنان دادن پیامی به کشورهای منطقه نظیر ایران، سوریه و عراق بود که ترکیه اگرچه با آنان خصومتی نداشت ولی دارای مشکل بود. وزیر دفاع اسرائیل طی دیدارش از آنکارا در ژانویه ۱۹۹۸ اظهار داشته بود اگر ترکیه و اسرائیل دست در دست هم قرار دهند مثنی محکم به وجود خواهد آمد. روابط با اسرائیل به وضوح با اکراه از سوی اربکان پذیرفتنی بود. به نظر می‌رسید که سمت‌گیری مجدد منطقه‌ای ترکیه به جانبداری از اسرائیل و علیه ایران و سوریه نتیجه طبیعی انگیزه حرکت داخلی توسط ارتش بر ضد اصول‌گرایی و تروریسم باشد.

تا اواسط سال ۱۹۹۷ ژنرال‌ها بدون آوردن تانک‌ها به خیابان‌ها قادر به ایجاد تغییر در رهبری سیاسی بودند. تحت

فشارهای همه جانبه، اربکان در ۱۸ ژوئن استعفا داد. او آشکارا انتظار داشت که تانسو چیللر به نخست وزیری منصوب شود ولی در عوض دمیرل رییس جمهوری ترکیه از رهبر حزب «مام میهن» خواست تا دولت جدیدی تشکیل بدهد. ائتلاف رفاه-راه راست حتی یک سال هم دوام نیاورد. در واقع کسی به شکل نظامی به تهدید اصول گرایی اعتراض نکرد. این که اربکان از طریق آراء عمومی به قدرت رسید و این که او برای اجرای شریعت تلاش قابل توجهی نکرد و این که ژنرالها بودند که روند دموکراسی را متوقف ساختند، در جامعه مورد انتقاد قرار گرفت. اتهامات دیگر اربکان عبارت بودند از دادن افطاری به رؤسای فرقه های مذهبی در زمان تصدی پست دولتی و نیز صدور مجوز پوشیدن مقنعه به کارمندان زن در بخش خدمات عمومی. دو تن از نمایندگان رفاه متهم به تلاش برای تأسیس دولتی براساس قانون شریعت شدند و یک سوم آنها به جرم بیان این مطلب که «تعطیل کردن مدارس امام خطیب باعث خونریزی خواهد شد» متهم شدند.

در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۸ هیأت قضات

دادگاه قسانون اساسی تصمیم خود را اعلام کرد: «حزب رفاه منحل شد و شش تن از با سابقه ترین اعضای آن از جمله اربکان به مدت ۵ سال از شرکت در هرگونه فعالیت سیاسی محروم شدند.» صدور رأی به انحلال حزب- بیست و یکمین حزبی که در ترکیه از زمان نخستین مداخله نظامی در سال ۱۹۶۰ منحل شد- هیأت قضات را به دودسته تقسیم کرد: «۹۱ موافق و دو مخالف.» دادگاه تصمیمات متخذه را این گونه توجیه کرد که «اربکان با صدور مجوز پوشیدن لباس اسلامی در ادارات دولتی و دانشگاه ها به ترویج آنتی سکولاریزم کمک کرده، و منظور او از روی کار آمدن یک «نظام عادل» در سخنرانی اش در گروه پارلمانی حزب رفاه در سال ۱۹۹۴، حکومتی بر مبنای قوانین مذهبی بوده است و او از تشکیل حزب حکومت ملی (شکل قدیمی حزب نجات اسلامی و حزب رفاه) در سال ۱۹۷۰، هدف تشکیل یک حکومت بر پایه شریعت را در ترکیه دنبال می کرده است.» عضو رفاه مجلس، «احمد تکدال»، هنگام مراسم حج در سال ۱۹۹۴ یک سخنرانی ضد سکولار ایراد کرد. و همچنین «خلیل ابراهیم سلیکش

نماینده دیگر رفاه در ضمن یک سخنرانی، تمایل خود به حکومت شریعت را ابراز داشته است. مورد دیگر این که حزب نسبت به سخنرانی های آنتی سکولار ایراد شده توسط اعضایش بی تفاوت بوده و به طور کلی دادگاه نتیجه گیری کرد که رییس حزب رفاه، معاونش و اعضای رفاه در مجلس از حقوق و آزادی های دموکراتیک برای ضربه زدن به دموکراسی و تشکیل دولتی برپایه شریعت استفاده کرده اند.»

تصمیم فوق، ۱۴۷ نماینده حزب رفاه در مجلس را به اعضای مستقل تبدیل کرد اما طی مدت کوتاهی همه آنها به جز پنج نفر اعلام کردند که به یک حزب اسلامی جدید به نام حزب فضیلت خواهند پیوست.

با بیرون کردن اربکان از صحنه سیاست و هموار ساختن راه برای ارتقای سیاستمداران عملگرای اسلامی جوانتر و پویاتر دادگاه قوانین اساسی ترکیه ممکن است به شاخه اسلامی، خدمتی کرده باشد. خود اربکان اظهار داشت که تصمیم دادگاه یک اشتباه قضایی جدی بوده است. هم در داخل ترکیه (توسط مفسرین لیبرال) و هم در خارج،

تصمیم اتخاذ شده به عنوان قدمی برای به تأخیر انداختن تکامل یک جامعه چند صدایی تقبیح شد.

انحلال حزب و احتمال متهم شدن اربکان و سایر همکاران قدیمی اش در یک دادگاه امنیتی، زندانی شدن شهردار «رفاه» در شهر کاسیری در آناتولی مرکزی را به اتهام نقض شروط سکولار قانون اساسی به دنبال داشت. حتی جنجال برانگیزتر از آن تعقیب قانونی «اردوگان» شهردار پویا و

مشهور رفاه در استانبول، به خاطر اظهارتش در جنوب شرق شهر «سیرت» بوده است. اتهاماتی بر سخنان اردوگان وارد می شد که طی آن اظهار می داشت که «مساجد ترکیه، خوابگاه ما، مناره ها سرنیزه ما، گنبدها کلاخود ما و مؤمنین سربازان ما هستند.»

اظهارات فوق از یک شعر «ضیاء گوکالپ» گرفته شده که شخصیتی بانفوذ در تکامل پان ترکیسم و ناسیونالیسم ترکی از اواخر قرن ۱۹ تا اوایل قرن ۲۰ بوده است. اردوگان به ۱۰ ماه زندان محکوم شد اما تا هنگام صدور رأی تجدید نظر، آزاد بود.

همچنین حکومت شروع به مجازات

استفاده کنندگان از پوشش لباس اسلامی در ادارات دولتی و مدارس کرد و صدها معلم به خاطر سرپیچی از قوانین وضع شده وزارت آموزش و پرورش در مورد لباس مورد تعقیب قرار گرفتند. محدودیت شامل حال دانشجویان نیز شد. به طوری که در صورت عدم تبعیت از اصلاحات از شرکت در امتحانات آخر سال محروم می شدند. در عرض چند ماه پس از انحلال حزب رفاه در اثر یک پاکسازی گسترده، مقامات اسلامی استانی هم از کار برکنار شدند.

چه کسی ژنرالها را انتخاب کرد؟

تا زمانی که ارتش نقش فوق حکومتی خود را ایفا کند ترکیه نمی تواند به سمت یک جامعه دموکراتیک و پلورالیستی پیش برود. به علاوه در حالی که اصول گرایی به عنوان یکی از بزرگ ترین تهدیدات در برابر تمامیت جمهوری، منزوی می شد، در راستای قتل ها و حبس های بی دلیل مخالفین سیاسی، مطرح کردن رسیوایی روابط بین سیاستمداران و مافیا آغاز شد. بنابراین با وجود اقدام صورت گرفته علیه چپ گرایان در دهه ۱۹۸۰ به بهانه سرکوب افراط گرایی

کمونستی، اقدام علیه عملگرایان سیاسی کرد به بهانه سرکوب جدایی طلبی و اقدام علیه عملگرایان اسلامی به بهانه سرکوب اصول گرایی، واضح است که ارتش اجازه هیچ گونه انحراف از تعبیر خشک خود از هویت ترکی را نخواهد داد. اما با این فرض که «ارتش بهتر می داند» مطمئناً به ترک ها اهمیتی داده نمی شد، نتایج انتخابات در سال های اخیر نشان می دهد که آنها از حق رأی خود عاقلانه بهره می گیرند و می دانند که چگونه سیاستمداران را به خاطر موفقیت هایشان یا اشتباهاتشان تنبیه یا تشویق کنند. تا حدود زیادی غیر ممکن است که حزب رفاه توانسته باشد ترکیه را به یک جمهوری اصول گرا تبدیل کند. حتی اگر هدفش این بوده باشد. به طوری که جامعه شناس ترک «متسین هپیر» در شماره زمستان ۱۹۹۷ مجله مدیترانه اظهار داشت: «حتی زمانی که اقتصاد ترکیه در یک قتلگاه قرار داشت، زمانی که ادعاهایی مبنی بر وجود فساد گسترده در درون گروه سیاسی سکولار می شد و زمانی که هم حزب چپ گرای میانه رو و هم حزب راست افراطی در اجرای برنامه های

هدف مند دچار شکست ششسده بودند
 چهارینجم رأی دهندگان بازم به
 رفاه رأی ندادند. بیشترین حمایتی که از
 رفاه به عمل آمد بی شک از جانب مردمی بود
 که علاقه کمتری به ارزش های مذهبی آن
 داشتند و در عوض علاقه مند بودند که شاهد
 تشکیل حکومتی کارا توسط حزب باشند.
 حتی منتقدین اعتراف کردند که در سطح
 دولت محلی، رفاه نسبت به اسلافس بهتر
 عمل کرده است.»

در مورد دستور کار مخفی رفاه،
 هیراطهار می دارد که نه تنها
 سکولاریست های رادیکال اهمیت اسلام را
 برای مردم درک نمی کنند، بلکه
 «تهدید اسلام برای دولت دموکراتیک و
 سکولار ترکیه را نیز بزرگ کرده اند.» عجیب
 این که ارتش زمانی علیه حزب رفاه اقدام
 کرد که نشانه هایی از مصالحه در یک فضای
 دموکراتیک بین جریانات مذهبی و سکولار
 در جامعه ترکیه وجود داشت. پس چرا ارتش
 در این شرایط دست به کار شد؟ آیا با این
 ارزیابی موافق نبود؟ یا شاید به این دلیل که
 موضوع اصلی هرگز «اصول گرایی» نبوده و
 بلکه تصمیم سردمداران سکولار بالاخص

ارتش، برای در دست گرفتن کنترل دولت
 بوده است.

توسعه سیاسی و اجتماعی در داخل
 ترکیه هم اکنون متوقف شده است. هیچ راه
 حلی درازمدتی برای دیدگاه مورد پرسش
 کردی وجود ندارد، توری که زندگی مردم را
 تباه کرد، کاهش نیافته است و سیاست حزبی
 تحت اراده ارتش قرار دارد. تا پایان سال
 ۱۹۹۸ با زدن اتهام فساد بریلماس
 نخست وزیر ترکیه دولت وی سقوط کرد و
 کشور به بن بست سیاسی که پیش از انتصاب
 اربکان به نخست وزیری در سال ۱۹۹۶ وجود
 داشت بازگشت مجدداً رئیس جمهور
 دمیرل در جست و جویش برای یک دولت
 جدید زودتر از انتخابات مقرر در ماه آوریل
 مجبور به احتراز از اسلام گرایان شد که
 بزرگ ترین بلوک را در پارلمان شامل
 می شدند. بانگاهی به سیاست خارجی ترکیه
 می توان گفت که فروپاشی حکومت رفاه بر
 اروپایی که زمانی از به قدرت رسیدن این
 حزب در ترکیه وحشت داشت، اثرات مثبت
 چندانی نداشته است. اروپاییان از اقدامات
 نظامی انتقاد کرده اند. ترکیه نه تنها به
 عضویت در اتحادیه اروپا در اواخر سال

۱۹۹۷ مبنی در عدم قبول عضویت ترکیه، از آن دورتر هم شده است. با در نظر گرفتن

جهت گیری غرب گرایانه ترکیه از زمان تأسیس جمهوری و تلاش های این کشور برای ملحق شدن به اتحادیه اروپا طی ۳۰ گذشته، این واقعه را باید شکستی جدی تلقی کرد. چرا که سنگ بنای اصلی که جمهوری براساس آن استوار شده بود به لرزه درآمد. با در نظر گرفتن روابط کنونی ترکیه با اعراب و جهان اسلام، ارتش بی دلیل روابط نزدیکش با اسرائیل، ترکیه را به بن بست کشانده است.

هم اکنون خواسته یا ناخواسته دنیای عرب، ترکیه را کشوری می داند که وضعیت بی طرفی سابق خود را با یک اتحاد عملی با اسرائیل از دست داده و تلاش های ترکیه برای رفع نگرانی اعراب و مسلمانان نتیجه بخش نبوده است. در نشست کنفرانس اسلامی در اواخر سال ۱۹۹۷ ترکیه به خاطر روابطش با اسرائیل با انتقادات شدیدی روبرو شد. با وجود بهبود روابط با سوریه پس از قطع حمایت دولت سوریه از رهبر پ ک ک P.K.K عبدالله اوجلان در اکتبر ۱۹۹۸، فضای

عدم اعتماد بین دو کشور همچنان وجود دارد.

علی رغم همه اینها ترکیه نمی تواند همزمان یک دولت دموکراتیک و یک دولت نظامی باشد. بنابراین ندریه نیویورک تایمز در نوامبر ۱۹۹۸ عبارت در «دموکراسی نظامی»، یک تناقض است. مداخلات نظامی به بهانه محافظت از سکولاریزم، تکامل دموکراسی متزلزل ترکیه را تضعیف کرده است و باید تهدیدی را که حزب رفاه موجب آن می شد با این هزینه گزاف مورد مقایسه قرار داد.

شاید دقیق تر، آن باشد که دیدگاه های سردمداران کمالیست را ضد مذهبی بدانیم تا سکولار. تناقضی که وجود دارد آن است که یک دولت معاصر، یک دولت سوسیال در راستای خطوط اروپایی، کاملاً ضد مدل فرسوده است که سکولاریست ها برای بقای آن برنامه ریزی می کردند. یک دولت معاصر سیر تکامل خود را از پایین به بالایی می کند نه از بالا به پایین. پارلمان صدای ملت است نه اداره ستاد مشترک و تا زمانی که سیاستمداران، دیوان سالاری و خود ارتش صادقانه

قانون انجمنهای مردمی و فعال سازی جامعه مدنی در مصر

نویسنده: ایمن السید عبدالوهاب

ترجمه: محجوب الزویری

از ریابی نقش سازمان های غیر دولتی یکی از مسایل مهم در بررسی رابطه بین دولت و جامعه قلمداد می شود، و شاخص مهمی برای دنبال کردن روند تحول دموکراتیک است. بنابراین افزایش نیازها و خواستهها برای بازنگری در نقش دولت در جامعه و دموکراتیک جلوه دادن نهادهای اجتماعی نقش به سزایی دارد.

بررسی حاضر احتمال فعال کردن جامعه مدنی در مصر را مدنظر قرار می دهد، و با تکیه بر انجمنهای مردمی راههای سازماندهی مجدد آن را به عنوان موسسه هایی که عهده دار پرورش سیاسی هستند، و همچنین به خاطر سهمی که آنها در تحقق اهداف بخش فرهنگی، سیاسی و جو عام مصر در قرن نوزدهم داشته اند، بررسی می نماید.

نویسنده بررسی خود را در محدوده

جواب گوی مردم از طریق صندوق های رأی نباشند ترکیه نمی تواند به دولتی که سکولاریست ها می خواهند، تبدیل شود.

یادداشتها:

1. See Nicole and Huch Pope, "Turkey Unveiled," *A History of Modern Turkey*, America: 1997, p. 316.
2. Alan Makovsky, "Turkey's Nationalist Movement," *The Washington Quarterly*, Autumn 1999.

۳- شماره های مختلف مجله جامعه مدنی که در مصر تحت عنوان *Civil Society in the Middle East* منع خوبی در زمینه تأثیر نیروهای اجتماعی بر یکدیگر در کشورهای خاورمیانه است.